

نشست‌های برگزار شده در پژوهشکده علوم اقتصادی

عنوان کامل نشست: خلق پول اعتباری در نظام بانکی و بررسی مشروعیت فقهی آن

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	پژوهشکده علوم اقتصادی با همکاری هسته پژوهشی پول و مسائل آن در اقتصاد اسلامی
مسئول نشست:	دکتر محمد اسماعیل توسلی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۶
اعضای هیئت علمی:	دکتر محمدمهدی مجاهدی مؤخر (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر حسن سبحانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	حجت‌الاسلام دکتر سید عباس موسویان (عضو کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار و عضو شورای فقهی مشورتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)
مسئله محوری نشست:	بررسی مشروعیت فقهی خلق پول اعتباری توسط بانک‌های تجاری
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	مجلس شورای اسلامی به عنوان قانون‌گذار، بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار پولی

مقدمه:

بسیاری از مشکلاتی که هم‌اکنون در بخش‌های مختلف اقتصادی مشاهده می‌کنیم ناشی از رفتار ناهنجار جامعه با پدیده مبارکی به نام پول به وجود آمده است. بشر با ابداع پول گرچه توانست از مشکلات عدیده نظام پایاپای رهایی یابد و با روان شدن معاملات افزایش چشمگیر رفاه را رقم بزند اما همواره سرمایه‌داران رباخوار و دولت‌های درمانده در طول تاریخ - به هر شکلی که پول بوده است - آن را به خدمت گرفته و بهره برده‌اند. با ظهور بانک‌ها در اقتصاد، این‌ها هم از مسیر انواع قراردادهای ربوی همانند سرمایه‌داران رباخواران به نابرابری ثروت دامن زدند و هم همانند دولت‌ها از مسیر ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از طریق بانکداری ذخیره جزئی که در اختیارشان قرار گرفت توزیع نابرابر ثروت را در جامعه دوچندان کردند. با توجه به قدرت عظیم خلق پول اعتباری توسط بانک‌ها، نظام بانکداری ایران و بالطبع مجموعه اقتصاد ایران به‌زودی به ورطه بحران همه‌جانبه و غیرقابل کنترل وارد خواهد شد؛ زیرا هم‌اکنون میزان حجم نقدینگی کشور از هزار هزار میلیارد تومان گذشته است. بنا بر اذعان کارشناسان خیلی بیش از ۹۰٪ آن مربوط به خلق پول اعتباری بانک‌ها یا همان خلق اعتبار است. بانک‌ها روزانه در حال خلق نزدیک به هزار میلیارد تومان نقدینگی هستند. لذا از این ناحیه اقتصاد کشور سخت در معرض فروپاشی و ازهم گسیختگی قرار دارد. این رشد نقدینگی در شرایطی به وقوع پیوسته و می‌پیوندد که اقتصاد در رکودی عمیق فرو رفته و بیکاری تشدید شده است.

چالش‌ها:

۱. اگر بانک مرکزی با قدرت و سرعت برای «ترتیب‌ات خلق پول» چاره‌ای نیندیشد، بحران عظیمی اقتصاد ایران را در بر گرفته و به‌زودی زمین گیر خواهد شد.
۲. قدرت پول آفرینی شبکه بانکی که ناشی از سیستم بانکداری ذخیره جزئی است، باعث می‌شود بانک‌های مرکزی تسلط کامل را در کنترل حجم نقدینگی نداشته باشند.

۳. هرچه سیستم بانکی از سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی فاصله بیشتری گرفته و نسبت نقدینگی به پایه پولی در کشورها بزرگ‌تر باشد، سطح تورم بالاتر بوده است.
۴. خلق پول اعتباری اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت ایجاد ثروت کند، اما در مرتبه توزیع یقیناً به نابرابری توزیع ثروت در جامعه به نفع صاحبان سرمایه و پول می‌انجامد. درحالی که ناسازگاری این نوع توزیع ثروت با آموزه‌های اسلام از مسلمات است.
۵. با این‌همه آثار عظیم اقتصادی و توزیعی که برای مسئله خلق پول اعتباری توسط بانک‌های تجاری وجود دارد هنوز تکلیف فقهی‌اش روشن نشده است. این امر ناشی از اختلاف نظر اندیشه‌ورزان اسلامی در دو مسئله اساسی است.
۶. یکی ابهام در شناخت موضوعی چیستی پول اعتباری مخلوق بانک یا به تعبیر صحیح‌تر خلق اعتبار توسط بانک‌های تجاری با استفاده از ذخیره جزئی، از حیث فلسفی و عنوان حقوقی است.
۷. و دیگری اختلاف نظر اندیشه‌وران اسلامی در مشروعیت فقهی آن با توجه به ماهیت موضوع و یا معیاری و با توجه به آثار عظیم اقتصادی و توزیعی آن در جامعه است.

چکیده مباحث طرح‌شده:

به اعتقاد یکی از اساتید خلق پول پدیده‌ای جدید بوده و جزو مباحثی است که باید به شیوه معیاری بررسی شود نه موضوعی. بدین صورت که اگر اقتصاددانان اثبات کنند در خلق پول مفسده‌ای نیست و به مصلحت جامعه و اقتصاد کشور است، خلق پول ایرادی ندارد؛ اما اگر مفسده آن توسط اقتصاددانان اثبات شود، اشکال دارد. به اعتقاد ایشان بحث دیگر این است که خلق پول از شئون حاکمیت است. اگر سیاست‌گذاران پولی و مالی دولت این تشخیص را بدهند که برای حراست از منافع عمومی و کنترل نوسانات مالی، جامعه نیاز به خلق پول ولو از طریق بانک‌های تجاری داشته باشد، از نظر شرعی اشکالی ندارد چون این امر در سلطه و اشراف حاکمیت اتفاق می‌افتد؛ اما اگر در همین مسئله یک تئوری اقتصادی ثابت کند که خلق پول از شئون حاکمیت نیست و موجب سوءاستفاده و کنترل ناپذیری بانک‌های تجاری

می‌شود و منافع عمومی را به خطر می‌اندازد، فقیه می‌تواند رأی به عدم مشروعیت خلق پول در نظام بانکی بدهد.

یکی دیگر از اساتید اقتصاد مستقیماً به ماهیت خلق پول اعتباری و بحران ناشی از آن اشاره می‌کند. وی می‌گوید، آنچه که دارد خلق می‌شود و انتشار می‌یابد، تعهد پرداخت است که اگر شما تمایل داشتید این پول اعتباری را تبدیل به اسکناس و مسکوک کنید، بانک این وظیفه را انجام می‌دهد. در انجام این تعهدات، یک وجه تعهداتی است که سررسیدش، آتی است. شما هر آن می‌توانید بروید تبدیلیش کنید ولی یک بخش از تعهدات در این سیستم، تعهدات آتی است یعنی امکان اینکه بخواهد در این مسیر، وام‌هایی که داده شده، برگردد به بانک تا بانک دوباره بیاورد آن پول را به شما بدهد، برقرار نمی‌شود. از اینجا است که مفهومی به نام نرخ بهره بانکی شکل می‌گیرد تا بتواند ورودی سیستم را با خروجی سیستم تنظیم کند. هم خلق اتفاق می‌افتد هم محو، توأمان اتفاق می‌افتد؛ یعنی پول به جامعه تزریق می‌شود و توسط بانک از جامعه برداشته می‌شود. این خلق و محو که اتفاق می‌افتد، می‌تواند حداقل در بخش پولی اقتصاد، بیشتر تعادل را به عدم تعادل سوق دهد. می‌دانیم که در تعادل‌های والراسی، در همه بخش‌های اقتصاد باید تعادل برقرار باشد. درحالی‌که بازار در تعادل پولی برقرار نیست، پس می‌تواند عدم تعادل را به بازارهای دیگر هم بکشانند. این سیستم به ناپایداری نظام پولی منجر می‌شود و ناپایداری نظام پولی به ناپایداری کل اقتصاد می‌انجامد. اینکه برخی معتقدند اگر پول به جامعه تزریق کنیم، منجر به رشد اقتصادی می‌شود، در مورد اقتصاد ایران، یک رویکرد بسیار بسیار خطرناک است. مسئله دیگر اشتباه مفهومی در مورد نرخ بهره است. کینز معتقد است که هم p و هم نرخ رجحان زمانی که کلاسیک‌ها اعتقاد دارند و هم رجحان نقدینگی که روی پول وجود دارد، توأمان نرخ بهره پولی را شکل می‌دهد. ما در بانکداری بدون ربا دنبال این هستیم که این را حلالش کنیم. این‌ها همه متغیرهایی هستند که ذهنی محسوب می‌شوند. ریشه‌های بهره روی پول اینجا است و وقتی که پول در اقتصاد خلق می‌شود، خود خلق پول است که این را ایجاد می‌کند. اگر بخواهیم این نرخ‌ها را برداریم، لازمه‌اش این است که خلق پول را حذف کنیم.

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که علت اصلی تورم در بلندمدت رشد حجم پول است. تورم به معنی افزایش دائمی در سطح قیمت‌هاست و اگر بخواهیم به طور مرتب و تکرار شونده قیمت‌ها بالا رود، باید به طور مرتب و تکرار شونده تقاضای کل افزایش و یا عرضه کل کاهش داشته باشد. در شرایط رشد تکنولوژی کاهش تکرار شونده در عرضه کل معنایی ندارد. همچنین عوامل مؤثر بر تقاضای کل نظیر مخارج دولتی و یا مالیات‌ها، کمتر می‌توانند دارای تغییرات مداوم باشند؛ اما در مورد عرضه پول شرایط متفاوت است و عرضه پول تنها متغیری است که می‌توان آن را با هر نرخ و به طور مداوم افزایش داد؛ بنابراین می‌توان گفت رشد حجم پول اثر و نقش اساسی در ایجاد تورم دارد. در مطالعه انجام شده بررسی اثر بانکداری ذخیره جزئی بر میزان تورم با استفاده از داده‌های پانل و بر اساس نتایج حاصل از تخمین، تورم دوره گذشته دارای اثر مثبت و معنادار بر تورم جاری بوده است؛ بنابراین پدیده لختی تورم در نمونه مورد بررسی تأیید می‌گردد. همچنین مطابق با انتظار، رشد حجم نقدینگی دارای اثر مثبت و معنادار بر نرخ تورم بوده و این امر پولی بودن پدیده تورم را تأیید می‌نماید. ضریب نسبت حجم نقدینگی به پول پر قدرت که بیانگر قدرت خلق اعتبار توسط سیستم بانکداری ذخیره جزئی است مثبت و معنادار بوده است. معناداری این متغیر در کنار متغیرهایی همچون نرخ رشد حجم پول و وقفه تورم که اصلی‌ترین متغیرهای توضیح‌دهنده تورم هستند بیانگر نقش و اهمیت سیستم بانکداری ذخیره جزئی در ایجاد تورم در کشورهاست؛ به عبارت دیگر هرچه سیستم بانکی از سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی فاصله بیشتری گرفته و نسبت نقدینگی به پایه پولی در کشورها بزرگ‌تر باشد، سطح تورم بالاتر بوده است.

پرسشی مطرح شده مبنی بر اینکه بحث خلق پول از هیچ، بانکداری اسلامی را زیر سؤال می‌برد و از یک منظری اکل مال به باطل است. پاسخ داده شد، اگر بانکی بخواهد مشارکت در تولید کند یا مباحه کند، مواد اولیه‌ای را به صورت اعتبار بانکی خریداری کرد و واگذار کرد به یک تولیدکننده‌ای، حالا چه با سرمایه خود بانک باشد چه از محل سپرده‌ها باشد، چه از بحث اعطای اعتبار از هیچ باشد، فرقی نمی‌کند. از جهت شرعی، مهم آن رابطه قراردادی غیر ربوی است که بانک با مشتری ایجاد می‌کند. بحث اعتبار از هیچ، اصلاً در فقه ما قبل از

بحث بانکداری آمد. توی بحث‌های مشارکت مطرح است که به آن مشارکت در وجوه می‌گویند. بعضی از افراد در بازار بودند. این افراد اصطلاحاً وجهه داشتند، اعتبار داشتند. بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد، می‌رفت از تاجری با همان اعتبارش جنس می‌خرید، بعد می‌آمد می‌فروخت، می‌برد پولش را پس می‌داد. آنچه که فقها اشکال گرفتند، مشارکتش است. معامله خودش اشکال ندارد اما اینکه یک کسی بیاید بگوید اعتبار از تو کار از من، اما مشارکت وجوه بخواهد پیش بیاید، به خاطر غرری بودن می‌گویند اشکال دارد؛ اما یک شخصی دارد با اعتبار خودش کار می‌کند، هیچی ندارد و کار می‌کند، عیبی ندارد. می‌گوییم بانک اسلامی یک ابزاری پیدا کرده، می‌تواند بخرد ولو آنکه منابعی نه از خودش دارد نه منابع سپرده‌ای دارد؛ اما اعتبار دارد. چک بکشد مواد اولیه را از فروشنده بخرد، بفروشد به این کارخانه‌دار به صورت مرابحه. کجایش اشکال دارد؟

در رد پاسخ مذکور بیان شد که بین اعتبار تعریف شده بالا و بین خلق اعتباری که بانک می‌کند تفاوت ماهوی است. اعتبار مذکور همان اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار است و بر همان اساس خرید و فروش می‌کنند و بانک‌ها برای دادن تسهیلات بر همین اساس اعتبار سنجی می‌کنند و به همان معنایی است که در بحث مشارکت وجوه آمده است؛ اما خلق اعتباری که بانک می‌کند بدین معنا است که پولی را که وجود ندارد در ذهن تسهیلات گیرنده به گونه‌ای وانمود می‌کند که در حسابش واریز شده است. بانک نمی‌گوید، برو با اعتباری که من در بازار دارم خرید کن. بلکه بانک وانمود می‌کند، این پول در بانک من وجود دارد. براین اساس شما برو و خریده‌های خود را انجام بده. چون بر اثر تجربه می‌داند که بعد از مدتی می‌تواند جایگزین کند. این در حقیقت از هیچ پول خلق می‌کند و در ترازنامه بانک این وام به صورت دارایی ثبت می‌شود و برای گیرنده تسهیلات بدهی است که اصل و فرع آن را باید به بانک برگرداند. برای تقریب به ذهن چک‌های صوری را مثال می‌زنم که دین اعتباری است. فقها نوعاً در دین واقعی جایز می‌دانند که چک تنزیل شود؛ زیرا دین واقعی مال است. آقای الف نسبت به آقای ب یک طلبی دارد، این طلب به صورت چک است. می‌رود به سمت شخص ثالث چون دین، دین واقعی بوده، می‌رود تنزیل می‌کند؛ اما اگر شخص الف اعتباری

در بازار دارد شخص ب چون دوستش است، می‌آید به شخص الف می‌گوید من ۱۰۰ میلیون تومان پول نیاز دارم. چه کار کنم؟ آقای الف می‌گوید من که این پول را ندارم اما در بازار اعتبار دارم. یک چک برایت می‌کشم، شما برو در بازار این چک را تنزیل کن. همه هم می‌دانند که چک این آقا در بازار معتبر است می‌تواند تنزیل کند و کار این آقا هم راه بیفتد. حالا شخص ب بدهکار شخص الف است و در موعد توافق شده دین را تصفیه می‌کند. همه فقها در اینجا می‌گویند، چون دین واقعی که مال است وجود ندارد، شما نمی‌توانید آن را تنزیل کنید؛ بنابراین در مورد چک‌های دوستانه، از این نظر که مالی وجود ندارد مشروع نیست. در اینجا بانک هم به واسطه اینکه بانک شده و همین که مردم به آن اطمینان پیدا می‌کنند، پولی را که وجود ندارد با باز کردن اعتبار در حساب برای شخص و دادن دسته چک به او وانمود می‌کند که وجود دارد و خلق پول از هیچ از اینجا پدید می‌آید. لذا از حیث فقهی می‌توان عنوان اکل مال به باطل را بر آن صادق دانست؛ زیرا مالی را که وجود ندارد برایش فرض وجود می‌کند. پس اگر در چک‌های صوری و دوستانه مشروعیت آن پذیرفته نشد، در اینجا هم مشروعیتش پذیرفته نیست و اکل مال به باطل است.

توصیه‌های سیاستی:

۱. تحلیل تجربی نشان داده است هرچه سیستم بانکی از سیستم ذخیره ۱۰۰ درصدی فاصله بیشتری گرفته و نسبت نقدینگی به پایه پولی در کشورها بزرگ‌تر باشد، سطح تورم بالاتر بوده است. لذا بری کنترل تورم بانک مرکزی باید به تدریج نرخ ذخیره قانونی را افزایش داده و از قدرت پول آفرینی بانک‌ها بکاهد.
۲. حفظ ارزش پول و مبارزه با تورم از مشترکات دیدگاه‌های مختلف است و اثر منفی خلق پول اعتباری بر ارزش پول و در نتیجه افزایش تورم روشن و واضح است. لذا بایستی در تمام سیاست‌های پولی و مالی از طرف دولت مدنظر قرار گیرد.
۳. با توجه به آثار منفی اثبات شده خلق بی‌رویه پول اعتباری، لازم است نظام اسلام بانک مرکزی قدرتمند و مستقل داشته باشد تا بتواند در مورد کنترل پایه پولی سیاست‌های لازم

- را به کار گیرد و قدرت نظارت کامل و شدید بر بانک‌های خصوصی تجاری همانند بانک‌های تجاری دولتی داشته باشد تا نتوانند بی‌رویه خلق اعتبار کنند.
۴. اگر ذخیره صد درصد به بانک تحمیل نشود خلق پول به صورت قهری اتفاق می‌افتد. خلق پول لازمه صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز هست زیرا در آن وام پرداخت می‌شود گرچه وام در آن غیر ربوی است. لذا صندوق‌های قرض‌الحسنه هم باید تحت نظارت شدید بانک مرکزی قرار گیرند.
۵. باید بانک مرکزی ابزارهای لازم برای کنترل پول‌آفرینی بانک‌ها را در اختیار داشته و نگذارد سهم سیستم بانکی در تعیین نقدینگی بالا رود.
۶. برای جلوگیری از فروپاشی نظام پولی و بانکی کشور باید نسبت مناسبی از میزان حجم پول بانک مرکزی به کل حجم پول و نقدینگی برقرار شود. هم‌اکنون این نسبت زیر ۸٪ است. بر اساس تجربیات بانک‌ها در مسئله کفایت سرمایه به نظر می‌رسد این نسبت حداقل باید بیشتر از ۱۳٪ شود.
۷. در مورد کل حجم نقدینگی اعم از پول بانک مرکزی و پول اعتباری قاعده اصلی به هدف حفظ ارزش پول و نیز برخورداری از نرخ رشد اقتصادی پایدار باید بر محدودیت و منضبط بودن استوار باشد و نرخ رشد نقدینگی باید رابطه تناسبی مشخصی را با نرخ رشد محقق شده یا انتظاری تولید ناخالص ملی حفظ کند.
۸. با توجه به اینکه بحث از ماهیت و چیستی خلق پول اعتباری توسط بانک‌های تجاری در ادبیات اقتصاد اسلامی بسیار جدید است و فهم حقیقت آن با مباحث ماهیت ادراکات اجتماعی و امورات اعتباری در فلسفه، اصول و فقه و نیز اقتصاد گره خورده است تا الان اجماعی قابل قبول راجع به آن‌ها پدید نیامده است، لذا مقرر شد تا جلسات راجع به فهم پدیده مهم خلق پول اعتباری ادامه یابد تا ابعاد مختلف دخیل در موضوع و آثار اقتصادی و غیراقتصادی وجود یا حذف آن بیشتر روشن شود.